

یلدا جشن زایش خورشید

یک، 2، 3... بشمار، 30، 40، 50... ادامه بده 58، 59، 60 همین. به عقربه‌های ساعت نگاه کن. تا 60 بشمار...



یک، 2، 3... بشمار، 30، 40، 50... ادامه بده 58، 59، 60 همین. به عقربه‌های ساعت نگاه کن. تا 60 بشمار.

شب یلدا از شب‌های دیگر فقط یک دقیقه بلندتر است اما شانس‌اش از شب‌های دیگر شصت‌ها هزاربار بلندتر و اقبالش آنچنان زیاد است که گروه زیادی از مردم کره خاکی این شب را با خوردن بهترین خوراکی‌هایشان جشن می‌گیرند و قلندران، شب‌زنده‌دار می‌شوند. اگر بخوای شب را صبح کنی، بهترین راه بیدار ماندن، جمع کردن خوراکی‌های خوشمزه است که عشق به مزه کردن‌شان تو را وامی‌دارد تا بی‌توجه به تیک‌تاک ساعت و کارهای فردا و درس و مدرسه، چشمک خوراکی‌ها را با تعریف کردن قصه‌های دور و دراز پاسخ بدهی. حالا این قصه‌ها کدامش راست و کدام دروغ، رازی است که هنوز کسی به گوشدن آن همت نکرده. اگر نوجوان و جوان باشی که فقط نقش شنونده را خواهی داشت اما کافی است چند دهه از عمرت گذشته باشد تا در میان قصه‌گوها جایی برای خودت باز کنی. هر چه عدد ده‌دهی سن تو بیشتر باشد جایز محکم‌تر و نرم‌تر می‌شود که این شب یلدا، شب بزرگان است.

اگر تصمیم جدی گرفته‌اید تا در شب یلدا معرکه‌گیری کنید و پشت سرهم قصه بیافید از همین صبح خروسخوان تا وقت دارید درباره قصه‌ها فکر کنید و چند تا از بهترین‌ها را پس ذهن‌تان آماده کنید. حواس‌تان باشد که قصه‌های پارسال و پیرارسال را انتخاب نکنید که بدجوری توی ذوق‌تان می‌خورد اگر شنونده شیطانی، آخر قصه را زودتر از شما بگوید.

اصلا حواستان به شنونده‌ها باشد؛ نکند سری، همسری، فرزندی، نوه‌ای قصه را همین چند ماه پیش شنیده باشد و کار دستتان بدهد. کلید طلایی موفقیت در این شب انتخاب قصه‌هایی است که در زمان‌های خیلی دور اتفاق افتاده باشد و بهتر از آن گفتن قصه‌هایی است که از پدربزرگ یا مادر بزرگتان شنیده‌اید یادتان باشد کمی هم امروزی‌اش کنید که به دل همه بچسبد و البته میان قصه‌تان جایی هم برای دست‌بردن به کاسه آجیل و سینی چای بگذارید. نکته آخر هم این است که قصه‌تان خیلی طولانی نباشد. به چهره شنونده‌ها نگاه کنید و هر جا دیدید چشمشان بدجوری دود می‌زند سروته ماجرا را هم بیاورید.

کوچک‌ترها گوش به زنگ باشید

اگر از اعضای کوچک‌تر خانواده هستید سهمی در سخنرانی‌ها نخواهید داشت و البته این یک شانس است چون می‌توانید از تمام وقت‌تان برای خوردن استفاده کنید اما تلاش کنید تا از همین حالا آینده‌نگر باشید و کاری نکنید که فردا روزی ناچار شوید تاوان بدهید. به هر حال دور از جان شما که می‌شنوید، ناراحتی دستگاه گوارش هم می‌تواند در دسرهایی در حد پرداخت تاوان برای هر کسی به بار بیاورد.

از دیگر سو اما موقعیت چندان دلچسپی ندارید چون احتمالاً سراسر شب، رفتن به آشپزخانه و آوردن خوراکی‌های جدید و رساندن خوراکی‌های روی میز به دست بزرگ‌ترها خواهی‌نخواهی به گردن‌تان می‌افتد و البته کاری جز اطاعت ندارید. اما خودتان را خیلی نگران نکنید؛ مراسم شب یلدا از سال‌ها پیش بوده و تا میان‌سالی و پیری شما هم ادامه خواهد داشت؛ پس وقت برای تلافی زیاد است و چشم به هم بزنید شده‌اید بزرگ جمع و می‌توانید تا دلتان بخواهد تکیه بدهید و قصه بیافید برای کوچک‌ترها.

کلید طلایی برای شما انتخاب خوراکی است؛ تا دیر نشده سعی کنید در فهرست خرید خوراکی شب یلدا دخالت کنید و هر آنچه را که دوست دارید بخورید، توی فهرست جا بدهید. مطمئن باشید تلاش‌تان به نتیجه خواهد رسید چون پدر و مادرها اصلاً حاضر نیستند قهر و ناراحتی شما را در این شب تحمل کنند؛ پس تا تنور داغ است نان را بچسبانید.

جشن باستانی

شب یلدا- یا چنانچه امروزه اصطلاحاً نامیده می‌شود، شب چله- چندین هزار سال در ایران سابقه داشته و نخستین روز یا نخستین شب زمستان که زایش خورشید یا جشن تولد مهر، خورشید شکست‌ناپذیر بوده‌است. مردم عهد دور و گذشته که پایه زندگی‌شان بر کشاورزی- چوپانی قرار داشت بر اثر تجربه و گذشت زمان با گردش خورشید و تغییر فصول و بلندی و کوتاهی روز و شب و جهت و حرکت و قرار ستارگان، آشنایی یافته و کارها و فعالیت‌هایشان را بر اثر آن تنظیم می‌کردند.

هاشم رضی در کتاب گاهشماری و جشن‌های ایران باستان با نوشتن این جمله‌ها بر این نکته تأکید کرده است که شب یلدا را مردم

سرزمین ایران باستان در پی تجربیات شخصی‌شان یافته و به تفاوت آن با دیگر شب‌ها پی برده‌اند. هم او درباره چگونگی این تجربه‌ها آورده که #171؛ روشنی روز و تابش خورشید و اعتدال هوا در نظرشان مظاهر نیک و موافق و ایزدی بود. تاریکی و شب و سرما را نیز از اعمال اهریمن می‌پنداشتند. ملاحظه می‌کردند که در بعضی ایام و فصول روزها بسیار بلند می‌شود. به همان نسبت بلندی، از روشنی و نور خورشید بیشتر استفاده می‌کردند و می‌نگریستند که شب‌ها کوتاه است. کم‌کم این اعتقاد بر ایشان پیدا شد که نور و روشنی و ظلمت و تاریکی مرتب در نبرد و کشمکش هستند، خورشید و فروغ چیره شده و ساعت بیشتر در پرتو خود، مردم را نیرومند نگاه می‌دارد و گاه مقهور تاریکی واقع شده و ساعت کمتری با فروغ و تابش اندکی فیض می‌رساند.

براساس آنچه این محقق در کتابش آورده مردمان روزگار کهن دریافتند که کوتاه‌ترین روزها، آخرین روز پاییز و بلندترین شب‌ها اول زمستان است اما بلافاصله پس از این بلندترین شب سال، روزها بلندتر و شب‌ها کوتاه‌تر می‌شود و خورشید هر روز بیشتر در آسمان می‌پاید؛ از همین رو آن شب را یلدا یعنی تولد و زایش خورشید شکست‌ناپذیر نامیدند.

سفره بگشایید که یلدا آمده

هر خوراکی را روی سفره شب یلدا نمی‌گذارند هندوانه، انار، آجیل شیرین، میوه خشک، ماست و لبو را اکثر مردم روی سفره یلداشان جا می‌دهند، هرچند هندوانه مهم‌ترین خوراکی یلداست و برخی بر این باورند که اگر هندوانه را شب یلدا بخوری گرما در تابستان به تنت راه ندارد. اما سفره شب یلدا در روزگاران کهن که میزد (myazd) نام داشته از میوه‌های خشک و تر و آجیل پر می‌شده و به مناسبت غلبه مهر جهانتاب، مردم ایران‌زمین تیرگی اهریمن دیرپای یلدا را به صبح روشن اورمزد می‌رساندند.

شب چله

حتما شنیده‌اید که شب یلدا را شب چله هم می‌گویند که منظورشان در واقع شب چله بزرگ است. چله بزرگ از نخستین روز دی ماه که در متون کهن ایرانی اورمزد نام دارد شروع می‌شود و تا دهم بهمن‌ماه که جشن سده است طول می‌کشد و آن را بدان سبب چله بزرگ می‌نامند که در این روزها سرما بیشتر است. پس از آن چله کوچک فرامی‌رسد که دهم بهمن تا بیستم اسفند است و سرما کم‌کم کاسته می‌شود.

مراسم ویژه

هرچند مراسم شب یلدا در سراسر کشور به آجیل و هندوانه و انار ختم می‌شود اما در برخی نقاط ایران مردم مراسم ویژه‌ای هم برای این شب دارند.

بسیاری از مردم در شب یلدا برای تازه‌عروس سفره یلدا می‌برند. این مراسم در خانه عروس برگزار می‌شود و بستگان نزدیک داماد با در دست داشتن آجیل، میوه و شیرینی تزئین‌شده به دیدن تازه عروس می‌روند.

اما آنچه سید ابولقاسم انجوی شیرازی در کتاب #171؛ جشن‌ها و آداب و معتقدات زمستان؛ از آداب و رسوم ویژه شب یلدا در برخی نقاط کشور آورده، یکی آدابی است که در همدان اجرا می‌شده و نام آن فال سوزن است و شرح آن در کتاب انجوی شیرازی اینگونه است: #171؛ وقتی خوردن‌ها و بگو بخندها تمام شد، یک تکه پارچه تازه آب ندیده می‌آورند، یک نفر از زنان مسن و با کمال که شعر از حفظ دارد، شعر می‌خواند و دختر بچه کوچک و معصومی روی همان پارچه آب‌ندیده سوزن می‌زند. حاضران مجلس در دل نیت می‌کنند. خواندن هر شعر که تمام شد، کسی که نیت کرده، شعر را جواب نیت خود می‌داند.

هم‌او در کتابش آورده که زنان آذرشهر تا پایان چله کوچک خانه‌تکانی نمی‌کنند و معتقدند اگر در طول این دو چله کسی خانه‌تکانی کند چله او را نفرین می‌کند و اگر چله کسی را نفرین کند به نکبت و بدبختی گرفتار می‌شود. آنها شب چله بالایی بام‌ها آتش روشن می‌کنند و معتقدند که با روشن کردن این آتش سرما به‌کلی از آبادی‌شان می‌رود و نفس گرم به زمین می‌رسد.

از دیگر مراسمی که در این شب برگزار می‌شود شال انداختن است، به این ترتیب که جوانان محل یک دستمال نسبتاً بزرگ را چهارگره می‌کنند و به سر طنابی گره می‌زنند و بر بالایی بام خانه‌ها می‌روند. دستمال چهار گره را از بالایی بام به صحن خانه یا اتاق آویزان می‌کنند و با چند لگد به بام خانه می‌زنند. صاحب‌خانه مقداری آجیل و شیرینی در دستمال می‌گذارد و دستمال را تکان می‌دهد. صاحب دستمال می‌فهمد که توی دستمال چیزی ریخته‌اند و آن را بالا می‌کشد و به بام خانه‌های دیگر می‌رود.

سوز در راه است

از ما به شما گفتن؛ امروز که هیچ چون سرتان شلوغ است، امشب هم هیچ چون دورتان شلوغ است اما از فردا صبح حواستان به خودتان باشد؛ هوا سردتر می‌شود و شما بهتر است مراقب خودتان باشید. هر چقدر هم بتوانید در قالب یک پهلوان فرو بروید به هر حال سوز سرما کار خودش را خواهد کرد، به‌ویژه در سالی که آنفلوانزا در سراسر جهان برای خودش ترک تازی می‌کند و هیچ‌کس هم حریفش نیست. بیشتر این توصیه را جدی بگیرید. از ما گفتن؛ به هر حال صلاح کار خویش خسروان دانند. شب یلدایی پر از آجیل و هندوانه و خوراکی‌های خوشمزه برایتان آرزو می‌کنیم. باسلق را فراموش نکنید و به یاد ما باشید.

همشهری آنلاین- مینا شهینی

